



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 34, Issue 4, No.92, Winter 2024, pp. 129-146

Received: 12.02.2023

Accepted: 24.01.2024

Research Paper

Meta-Analysis of Studies on the Relationship between Social Capital and Economic Development in Iran in the Last Two Decades

Hossein Mirzaei * 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
hmirzaei@um.ac.ir

Mohammad Mahdi Namazi

Ph.D. Student, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
mnamazi.mn@mail.um.ac.ir

Introduction

Through the utilization of a meta-analysis approach, the present study aimed to assess the collective findings of research conducted in the past two decades regarding the relationship between social capital and economic development in Iran. A preliminary examination of the existing literature within this domain revealed the presence of contradictions and disparities. While certain studies indicated a positive correlation between social capital and economic development, others had yielded contradictory outcomes, demonstrating negative correlations between these two variables. Consequently, the need for a meta-analysis arose. To prevent the conflation of levels of analysis and the associated fallacies, this study solely concentrated on intermediate levels of analysis when defining concepts and selecting studies that considered both social variables of capital and economic development.

Materials & Methods

The research employed the meta-analysis method, a systematic approach that integrates the findings of multiple studies and applies targeted statistical methods to derive new and consistent results. The unit of analysis for this study was scientific research articles obtained from bibliographic databases. The statistical population consisted of articles that explored the correlation between social capital and economic development. The research was specifically focused on Persian studies conducted within Iran over the past two decades. This temporal limitation was implemented to emphasize the most recent findings within the field of inquiry, while the spatial limitation aimed to narrow the research problem to the relationship between the two variables within Iran. Due to the strict inclusion criteria for the meta-analysis, the research encountered sampling limitations. Initially, an extensive keyword search yielded 85 relevant articles. Among these, 27 articles were purely theoretical and 9 articles employed non-statistical methods. The remaining articles either did not provide the necessary statistics or utilized statistical approaches that did not

conform to the criteria for meta-analysis. Consequently, out of the 36 articles that utilized statistical tests, only 13 met the inclusion criteria for the meta-analysis.

Discussion of Results & Conclusion

After thoroughly examining and extracting the necessary data from each study, we initially investigated the presence of publication bias. To accomplish this, we employed funnel plots, Begg and Mazumdar's tests, and Egger's regression intercept. The results of these tests indicated the absence of publication bias. Subsequently, we assessed the assumption of homogeneity, which revealed heterogeneity among the studies. Thus, a model of random effects was employed to calculate the overall effect size. According to Cohen's interpretation system, the overall effect size was determined to be 0.304, indicating a moderate relationship between social capital and economic development.

In the subsequent stage of the meta-analysis, we explored the moderating variables that potentially contributed to the heterogeneity of the results. This exploration involved a comprehensive review and comparison of the included

* Corresponding author

Mirzaei, H., & Namazi, M.M. (2024). Meta-analysis of studies on the relationship between social capital and economic development in Iran in the last two decades. *Journal of Applied Sociology*, 34(4), 129-146.



studies. Three moderating variables, namely "publication year", "research method", and "operationalization of social capital" were incorporated into the model. All three variables significantly influenced the identification of heterogeneity among the studies. However, it became evident that these variables were not independent of one another. In general, studies that emphasized social trust and cooperation among local groups when measuring social capital reported an inverse relationship between social capital and economic development. Conversely, studies that emphasized institutional trust and the potential for participation in social institutions and organizations in addition to group trust when operationalizing the variable of social capital indicated a


positive correlation between the aforementioned variables. Therefore, based on our examination of the moderating variables and the obtained results, we proposed a new hypothesis: the disparity in research outcomes stems from the emphasis on different dimensions of social capital. While a specific definition of social capital that highlights trust within local groups is often perceived as an obstacle to development, an alternative definition of the same concept that focuses on individuals' participation in non-traditional institutions promotes development.

Keywords: Social Capital, Economic Development, Meta-Analysis, Types of Social Capital



مقاله پژوهشی

فرا تحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر ایران

حسین میرزائی* ، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

hmirzaei@um.ac.ir

محمد مهدی نمازی، دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

mmnamazi.mn@mail.um.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از روش فراتحلیل، به دنبال ارزیابی کلی نتایج تحقیقاتی است که درباره رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی انجام شده است. مروری گذرا بر پژوهش‌های این حوزه، وجود برخی تناقض‌ها و اختلافات را نشان می‌دهد. همین مسئله ضرورت یک فراتحلیل را ایجاب می‌کند. در این تحقیق، ابتدا با مرور مقالات فارسی دو دهه اخیر، ۸۵ مقاله از پایگاه‌های داده معتبر استخراج شدند و پس از اعمال معیارهای ورود، تنها ۱۳ مقاله در فراتحلیل باقی ماندند. در فرآیند فراتحلیل، ابتدا فرضیات مربوط به سوگیری نشر و همگنی بررسی شدند. نتایج، فقدان سوگیری نشر و ناهمگنی مطالعات را نشان دادند. با تجمیع اندازه اثر تحقیقات، اندازه اثر کلی ۰/۳۰۴ به دست آمد که حاکی از وجود همبستگی مثبت و متوسط بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی است. با ارزیابی نقش متغیرهای تعدیلگر برای یافتن منبع ناهمگنی در مطالعات، مشخص شد که بین تحقیقات منتشر شده در دهه ۸۰ با دهه ۹۰ و همچنین بین تحقیقات پیمایشی با تحلیل ثانوی، تفاوت وجود دارد. این تفاوت ناشی از وجوه متمایز تعریف سرمایه اجتماعی در این تحقیقات است. **واژه‌های کلیدی:** سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی، فراتحلیل، انواع سرمایه اجتماعی.

* نویسنده مسؤول:

میرزائی، ح. و نمازی، م.م. (۱۴۰۲). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر ایران. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۴)، ۱۲۹-۱۴۶.



مقدمه

توسعه اقتصادی یکی از اهداف بلند عموم دولت‌ها و ملت‌ها و موضوع نظورری‌ها و تحقیقات تجربی فراوانی در جهان بوده است. تأمل و تحقیق درباره توسعه اقتصادی جوامع و علل و ریشه‌های آن در دهه‌های اخیر، همواره دستاوردهای نظری جدیدی را تولید کرده است. در بدو تولد مفهوم توسعه در دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی، در بیشتر مواقع صنعتی شدن، برجسته‌ترین عامل توسعه در نظر گرفته می‌شد. تجربه واردات صنایع به کشورهای در حال توسعه، که عموماً همراه با تصدی‌گری دولت بود، در بسیاری از موارد به فساد در دستگاه دولتی منجر شد و در نتیجه شکست خورد. همین مسئله، برخی از نظریه‌پردازان و از جمله کارگزاران بانک جهانی را واداشت تا در موج دوم نظریه‌پردازی‌ها، دولت‌ها را به تعدیل ساختاری و مقررات‌زدایی تشویق کنند. هدف این سیاست‌ها عموماً کوچک کردن دولت و ایجاد یک بخش خصوصی بزرگ و قدرتمند بود. این سیاست‌ها نیز در بسیاری از کشورها به شکست انجامید. در سومین و جدیدترین موج نظریات توسعه، توجه نظریه‌پردازان به اهمیت نهادهای با ظرفیت اجتماعی و مفهوم سرمایه اجتماعی به‌مثابه یکی از حیاتی‌ترین لوازم نهادسازی جلب شده است. از دهه ۱۹۶۰ و با زایش مجدد مفهوم سرمایه اجتماعی، محققان بسیاری به اهمیت این مفهوم در سرنوشت توسعه اقتصادی مناطق مختلف توجه کردند (Bourdieu, 1986; Coleman, 1988; Putnam, 1993; Fukuyama, 1995)؛ در نتیجه این توجه، تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شد. در همین ارتباط، محققان ایرانی به‌خصوص در دو دهه گذشته، در امتداد این جریان تحقیقاتی حرکت کردند؛ اما برخلاف تصورات اولیه که مؤید رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بودند (سوری، ۱۳۸۳؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ میری و همکاران، ۱۳۸۹)، گاهی تحقیقات بیشتر، نتایجی خلاف این ادعا را نشان دادند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰؛ حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۱؛ آشنیسه و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج ضد و نقیض، لزوم انجام

تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر را نشان می‌داد. این مسئله خود به انجام تحقیقات بیشتر درباره نسبت سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی دامن زد. در نتیجه چنین توجه و تمرکز پژوهشی، برخی طرح‌واره‌ها برای صورت‌بندی مجدد مسئله پیشنهاد شد. با این حال، با وجود غنای پژوهش‌های تولیدشده در این حوزه، به نظر می‌رسد کماکان کفه ابهامات و نتایج متناقض در نسبت بین این دو مفهوم سنگینی می‌کند. برخی اختلاف‌نظرها درباره داشتن اثر علی معنادار از سوی سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی دور می‌زند، حتی بین محققانی که اثر علی را تصدیق می‌کنند، اتفاق نظر زیادی درباره جهت و شدت این تأثیر وجود ندارد. از طرف دیگر بگریز بودن هر دو مفهوم توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی در مقام تعریف، بر دشواری‌های کار می‌افزاید. هر دو مفهوم ابعاد و شاخص‌های متعددی دارند و گاه در مقام سنجش، اختلافات چشمگیری بین این شاخص‌ها به چشم می‌خورد (حیدری ساریان، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد در چنین فضایی، انجام هرگونه پژوهش جدید در این حوزه، پیش از هر چیز نیازمند داشتن تصویری دقیق از پیشینه تحقیقات در دسترس است. مرور نظام‌مند مطالعات پیشین، دست‌کم از دو جهت مهم است: اول آنکه امکان دارد در خلال مرور دقیق و نظام‌مند تحقیقات گذشته، برخی از ابهامات و سؤالات پاسخ داده شود و از این رهگذر، صرفه‌جویی در امر پژوهش انجام شود؛ دوم آنکه انجام هر پژوهش جدید بدون تکیه بر بصیرت‌های عمیق به دست آمده از تحقیقات قبلی، کور خواهد بود. چنین غفلتی، مسیر تحقیقات جدید را به سمت پرسش‌های تکراری، فرضیات فقیر و نتایج بعضاً گمراه‌کننده سوق می‌دهد.

بر همین اساس، سؤالات اساسی که در تحقیق حاضر تلاش می‌شود تا به آنها پاسخ داده شود، عبارت‌اند از:

۱. چه رابطه و نسبتی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در پژوهش‌های منتخب وجود دارد؟
۲. کدام متغیرها منبع احتمالی ناهمگنی نتایج تحقیقات منتخب‌اند و برای این ناهمگنی، چه تبیین‌هایی یافت می‌شود؟

اجتماعی در این سطح‌اند (Coleman, 1988). در سطح کلان، سرمایه اجتماعی تنها به‌مثابه دارایی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی نگریسته می‌شود. در این سطح سرمایه اجتماعی، بیشتر ناظر بر روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان همچون دولت، شرکت‌های بزرگ یا نظام‌های حقوقی و قضایی است. بنابراین یک مفهوم سرمایه اجتماعی اصلاح شده و فراگیر برای تحت پوشش قرار دادن تمام سطوح خرد، متوسط و کلان، وجود ندارد (Macinko and Starfield, 2001).

در این تحقیق، واحد تحلیل گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، سطح میانی‌اند؛ بنابراین در تعریف سرمایه اجتماعی، تعاریف ناظر بر سطوح میانی مدنظر قرار گرفت. برای رسیدن به تعریفی جامع و در عین حال روشن، ترکیبی از نظریه‌های نظریه پردازان بزرگ این حوزه در نظر گرفته شد. به‌طور خاص، وجوه اشتراک نظریات کلمن^۱ (1988)، پاتنام^۲ (1993) و بوردیو^۳ (1986) که متعلق به سطح میانی سرمایه اجتماعی بود، شاخص در نظر گرفته شد. تحقیقاتی که در تعاریف نظری و عملیاتی، از نظریات بالا استفاده کرده بودند، شرط لازم برای ورود به فراتحلیل را داشتند. با وجود تفاوت‌هایی که میان تعریف کلمن (1988)، پاتنام (1993) و بوردیو (1986) وجود دارد، ویژگی‌های مشترکی در میان برداشت‌های این نظریه‌پردازان دیده می‌شود. همگی اعتماد را یکی از ابعاد اساسی سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند. علاوه بر این وجود هنجارهایی که تعامل‌های گروهی را تسهیل می‌کند، فصل مشترک تعاریف فوق از سرمایه اجتماعی است. با تکیه بر این دو اصل تعریف‌کننده سرمایه اجتماعی و با چشم‌پوشی از وجوه تمایز، به‌طور موجز، سرمایه اجتماعی نوعی چسب اجتماعی است که مشارکت افراد را در قالب گروه‌ها افزایش می‌دهد. بسنده کردن به این تعریف حداقلی و چشم‌پوشی از تفاوت‌ها، از آن روست که بتوان تحقیقات بیشتری را در این حوزه مشاهده کرد. نکته مهم، توجه به این قضیه است که به

۳. در نهایت چگونه باید به تفسیر منسجم و عاری از تناقضی در نسبت دو مفهوم سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی دست یافت؟

پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با مروری نظام‌مند در بین تحقیقات داخلی انجام شده درباره نسبت سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر، فراتحلیلی از این تحقیقات به دست دهد. این فراتحلیل در بین مقالات فارسی انجام می‌شود و از میان تمامی تحقیقات ضبط شده، آنهایی بررسی می‌شوند که معیارهای لازم برای ورود به فراتحلیل را دارند.

مبانی نظری و تجربی

تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به‌طور خلاصه، پیوند اجتماعی یک جامعه تعریف می‌شود. نظریه پردازان مختلف از سرمایه اجتماعی به‌عنوان ویژگی جامعه (Putnam, 1993)، ساختارهای سازمانی (Coleman, 1988) و یک منبع (Bourdieu, 1986) یاد می‌کنند. این وضوح نداشتن مفهومی به این معنی است که تعریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی از یک مطالعه به مطالعه دیگر تفاوت اساسی دارد. در یک دسته‌بندی کلی، سرمایه اجتماعی دسته کم در سه سطح تحلیل مختلف ظاهر می‌شود و در هر سطح، معنا و دلالت‌های ویژه خود را دارد، اگرچه پیوستگی‌های مفهومی نیز به این سه سطح وجود دارد. در سطح خرد، سرمایه اجتماعی به‌مثابه دارایی افراد شمرده می‌شود. در اینجا سرمایه اجتماعی ناظر به کمیت و کیفیت ارتباطاتی است که هر فرد با دیگر افراد جامعه دارد (Bourdieu, 1986). در سطح میانی، سرمایه اجتماعی نوعی از دارایی است که هم بین گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تعریف می‌شود و هم بخشی از سرمایه فردی است. در این سطح، سرمایه اجتماعی به نوع هنجارهای حاکم بر نهادها و روابط نهادی نیز اشاره دارد. هنجارهایی همچون اعتماد، نظم، تعهد و اقتدار، که تسهیل‌کننده روابط نهادی و پیشبرنده امکان همکاری درون و بین نهادها، از جمله ارکان سرمایه

¹ Coleman

² Putnam

³ Bourdieu

اقتصادی جوامع محلی را بررسی کرده بودند. همانند متغیر سرمایه اجتماعی، در اینجا نیز تحقیق با تعریفی حداقلی، اما فراگیر از توسعه اقتصادی شروع می‌شود تا از این رهگذر، از محدودیت‌های مقایسه چند پژوهش معدود فراتر برود.

مرور پیشینه و چارچوب نظری

فوکویاما^۱ (۱۹۹۵)، یکی از سرشناس‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی در حوزه توسعه اقتصادی است. او باور دارد توسعه پیش از هر چیز، نیازمند گروه‌های اجتماعی است که هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آنها، افراد عضو گروه را قادر می‌کند تا منافع شخصی و آنی را در پای نفع جمعی و درازمدت قربانی نکنند. انضباط و سخت‌کوشی ناشی از پیگیری مداوم نفع جمعی، مانع از تسخیر نهادهای اجتماعی به وسیله افراد منفعت‌طلب می‌شود و چنین محیط نهادی سرشار از اعتماد، شرط لازم برای هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت اقتصادی است. اونز^۲ (۱۳۹۸) نیز برخلاف نظریه پردازان موج دوم توسعه، بر نقش دولت در توسعه جوامع انگشت تأکید می‌نهد. دولت با استفاده از یک دستگاه بروکراتیک شایسته‌سالار و متعهد، زمینه را برای پرورش بخش خصوصی قدرتمند فراهم می‌کند. به باور اونز، شرایطی که نهادهای دولتی بروکراتیک را قادر می‌کند تا به پیشران توسعه بدل شوند، وجود یک محیط نهادی سرشار از ارزش‌های اعتماد، شایسته‌سالاری و تعهد به خیر جمعی است. اونز (۱۳۹۸) تفاوت پیامدهای دخالت دولت در اقتصاد بین کشورهای آسیای شرقی و آمریکای جنوبی را به مناسبات محیط نهادی دولت و سرمایه اجتماعی آنها نسبت می‌دهد. پوتنام^۳ (۱۹۹۳) نیز به نقش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی در توسعه صنعتی جوامع تأکید می‌کند. او ضمن بررسی‌هایش در ایتالیا، تفاوت پیشرفت صنعتی در شمال و جنوب ایتالیا را به وجود شبکه‌های اجتماعی با درجه انسجام و اعتماد نهادی بالا

هر حال سرمایه اجتماعی وجوه، ابعاد و شاخص‌های گوناگونی دارد که دفاع از رابطه بین تمامی آنها با توسعه اقتصادی، چندان بدیهی به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین باید حساس بود که کدام یک از ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، با توسعه نسبت دارد و این نسبت چگونه است (موسایی و راعی صدیقی، ۱۳۸۷). با این حال چنین حساسیتی باید بخشی از تحلیل نهایی باشد، نه معیاری برای انتخاب ابتدایی تحقیقات؛ زیرا در حالت دوم، بخش بزرگی از تحقیقات مرتبط کنار گذاشته می‌شود و تنها تعداد انگشت‌شماری تحقیق باقی می‌مانند که چنین مسئله‌ای، از غنای فراتحلیل می‌کاهد.

تعریف توسعه اقتصادی

توسعه فرآیندی چندبعدی و برنامه‌ریزی‌شده، به‌منظور فراهم کردن فضایی برای انسان‌ها، به‌منظور داشتن زندگی سالم، خلاق و مؤثر است (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه اقتصادی، فرآیندی است که طی آن شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود، به‌طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). تولید ناخالص (در سطح محلی و ملی) و سرانه تولید ناخالص (در سطح محلی و ملی) نیز، از مهم‌ترین معرف‌های رشد و توسعه اقتصادی‌اند.

توسعه اقتصادی نیز همچون سرمایه اجتماعی، مفهومی چند سطحی است. در پژوهش‌های این حوزه، دست کم دو سطح از این مفهوم از هم متمایز می‌شوند. توسعه اقتصادی در سطح کلان، عموماً در نسبت مغتیرهای اقتصادی کلان با سطح کلی توسعه در جوامع تعریف می‌شود و توسعه اقتصادی سطح خرد (یا میانه)، ناظر به توسعه جوامع محلی و گروه‌های کوچک‌تر است. این دو سطح نیز اگرچه با یکدیگر در ارتباط‌اند، اقتضائات مفهومی و تحلیلی مستقلی دارند. توسعه اقتصادی در این پژوهش نیز، در سطح خرد (یا میانه) مدنظر قرار گرفت، به همین جهت این فراتحلیل به تحقیقاتی نوجه کرد که توسعه

¹ Fukuyama

² Evans

³ Putnam

خویشاوندی گرایش دارد، نه تنها کمکی به توسعه نمی‌کند، بیشتر مانع توسعه است؛ اما آن نوع از سرمایه اجتماعی که رو به سوی بیرون دارد و ارتباطات نهادی و سازمانی غیرشخصی را گسترش می‌دهد، ارتباط مثبت و معناداری با توسعه دارد. در تحقیقی تازه‌تر، مارینگانی و همکاران^۴ (2021) ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی را در ۲۱ کشور اروپایی بررسی کردند. آنها در کار خود، از داده‌های بیش از یکصد پیمایش استفاده کردند. محققان نتیجه گرفتند دو نوع سرمایه اجتماعی، دو تأثیر کاملاً معکوس بر رشد اقتصادی می‌گذارند. در حالی که سرمایه اجتماعی محدودکننده، مانع رشد شرکت‌های صنعتی و افزایش تولید ناخالص است، سرمایه اجتماعی پل‌زننده، حامی رشد اقتصادی و فراهم‌کننده شرایط توسعه است. در ایران نیز تحقیقات مختلفی در همین رابطه انجام شده است. در حالی که تحقیقات زیادی مؤید همبستگی مثبت میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی‌اند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حیدری ساریان، ۱۳۹۶؛ احقر و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۵؛ نقدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ خاوری و خاوری، ۱۳۸۹؛ طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). تحقیقات دیگر در این ارتباط تشکیک و یا آن را منوط به شرایط خاصی می‌کنند (آشینه و همکاران، ۱۴۰۰؛ قاسمی، ۱۳۹۰، خوش‌فر و میرزاخانی، ۱۳۹۵؛ حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۱).

اگرچه این پژوهش فاقد یک چارچوب نظری به معنای کلاسیک آن است، برای برخورداری از نوعی انسجام و هدایت نظری، از مجموعه‌ای تلفیقی از نظریات این حوزه به‌عنوان مرجع و راهنمای تبیین استفاده می‌کند. التزام‌نداشتن به یک چارچوب نظری به معنای کلاسیک، به اقتضای نوع تحلیل و بررسی است. اساساً زمانی از فراتحلیل استفاده می‌شود که نتایج متعارض و متضادی درباره یک مسئله وجود داشته باشد. فراتحلیل به‌دنبال تجمیع نظرات و یافتن منبع ناهمگنی از خلال بررسی موشکافانه تحقیقات است. از این حیث، یک پژوهش فراتحلیل در صورت وفاداری به اهداف خود، نمی‌تواند محملی برای آزمودن یا بررسی یک نظریه، یا

نسبت داد. وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی با سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در مسائل اجتماعی محلی، ویژگی بخش‌های توسعه‌یافته به‌لحاظ اقتصادی است. او همچنین از هویت محلی قوی و هنجارهای تعمیم‌یافته، به‌عنوان عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی یاد و نقش آنها را در توسعه برجسته می‌کند. کلمن^۱ (1988) نیز سرمایه اجتماعی را نوعی منبع تسهیل‌گر در ساختار اجتماعی می‌داند. تسهیل‌کنش‌های کنشگران در ساختارها به‌واسطه سرمایه اجتماعی مطلوب، سرانجام به بهبود بازده ساختارها منجر می‌شود و این خود به توسعه وضعیت مطلوب کمک می‌رساند. وولکاک و نارایان^۲ (2000) درباره نسبت توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی، ملاحظه جدیدی را مطرح می‌کند. به باور او دو نوع سرمایه اجتماعی، دو نقش متفاوت را در توسعه بازی می‌کنند. در حالی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، اعتماد را تنها در درون گروه بالا می‌برد و آن را بین گروه‌ها کاهش می‌دهد، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی باعث افزایش اعتماد در میان گروه‌ها و سراسر شبکه اجتماعی می‌شود. نوع اول سرمایه اجتماعی مانع توسعه و نوع دوم، تسهیل‌گر توسعه است.

تحقیقات تجربی مختلفی نیز نسبت سرمایه اجتماعی را با توسعه اقتصادی بررسی کردند. همان‌گونه که اشاره شد، پوتنام (1993) نسبت دموکراسی، توسعه اقتصادی و میزان سرمایه اجتماعی را در بین شرکت‌های شمال و جنوب ایتالیا بررسی کرد. یافته‌های او نشان داد شرکت‌های شمال که نسبت به جنوب توسعه‌یافته‌ترند و از نظم‌های باز تبعیت می‌کنند، سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. سباتینی^۳ (2007) در یک سلسله از تحقیقات، نسبت سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را در مناطق مختلف ایتالیا بررسی کرد. او به‌دنبال ارزیابی فرضیات پوتنام (1993) بود و نتیجه گرفت آن نوع از سرمایه اجتماعی که ثقل ارتباطات در آن به ارتباطات قومی و

¹ Coleman

² Woolcock & Narayan

³ Sabatini

⁴ Muringani et al.

مدل از پیش موجود باشد. با این حال کشف و تبیین منبع ناهمگنی در تحقیقات، بدون اتکا به نوعی داوری مبتنی بر نظریه ناممکن است؛ از این رو پژوهش حاضر به اتکای آرای کلمن (۱۹۸۸) و پوتنام (۱۹۹۳) و به‌خصوص بصیرت‌های ناشی از نظریه ولکاک و نارایان (۲۰۰۰)، شکل گرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش فراتحلیل انجام شده است که در آن محقق به صورت روشمند، نتایج پژوهش‌های مختلف را ترکیب و نتایج جدید و منسجمی را با استفاده از روش‌های آماری هدفمند استخراج می‌کند. در پژوهش حاضر، واحد مشاهده و تحلیل، مقالات علمی پژوهشی نمایه‌شده در پایگاه‌های داده معتبر بودند. جامعه آماری پژوهش، شامل مقالات علمی-پژوهشی بودند که همبستگی بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را بررسی کردند. این تحقیقات از حیث قلمروی زمانی به دو دهه اخیر محدود بودند و از حیث قلمروی مکانی، تنها به تحقیقات فارسی متعلق به ایران محدود می‌شدند. قید زمانی تحقیقات به دلیل تمرکز فراتحلیل بر جدیدترین یافته‌های حوزه بحث است و قید مکانی به جهت تمرکز مسئله تحقیق، به ارتباط دو متغیر بحث‌شده در ایران است. به دلیل محدود بودن تحقیقاتی که تمامی معیارهای ورود به فراتحلیل را داشتند، این پژوهش فاقد نمونه‌گیری بود. برای یافتن تحقیقات مربوط از پایگاه‌های علمی جهاد دانشگاهی، از سیویلیکا مقالات علمی کنفرانس و ژورنال، پرتال جامع علوم انسانی، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ ایران) و مجلات تخصصی نورمگز استفاده شد. ابتدا از کلیدواژه‌های سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی برای یافتن تحقیقات مرتبط استفاده شد. پس از جست‌وجوی نتایج اولیه و ضبط تعدادی از مقالات، از شیوه‌های جست‌وجوی پیشرونده (به کمک موتور جست‌وجوگر گوگل اسکالر) و جست‌وجوی پسرونده (از طریق فهرست منابع تحقیقات) برای دستیابی به تحقیقات بیشتر استفاده شد.

مهم‌ترین معیارهایی که برای ورود تحقیقات به فراتحلیل تعیین شدند، به قرار زیر است:

۱. تحقیق فرضیه‌ای درباره رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی (یا یکی از اشکال آن) داشته باشد؛
 ۲. فرضیه اشاره‌شده به صورت آماری و با یکی از آزمون‌های آماری مبتنی بر همبستگی، به‌گونه آزمون گذاشته شده باشد؛
 ۳. تعاریف نظری یا عملیاتی متغیرهای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی به صورت روشن بیان شده و با چارچوب مفهومی مدنظر تحقیق، هماهنگ باشد؛
 ۴. اطلاعات مربوط به گروه نمونه مطالعه‌شده ذکر شده باشد؛
 ۵. ضرایب همبستگی و سطوح معناداری و حجم نمونه گزارش شده باشد؛
 ۶. اطلاعات زمینه‌ای تحقیق به صورت شفاف گزارش شده باشد.
- پس از دستیابی به تحقیقات مدنظر، هر تحقیق کدبندی شده و اطلاعات مورد نیاز آن، شامل ضرایب همبستگی و حجم نمونه، در نرم‌افزار CMA وارد شد تا نرم‌افزار قادر باشد اندازه اثر هر تحقیق و اندازه اثر کلی را محاسبه کند.
- روش اصلی فراتحلیل، مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آمارها به شاخص r و برآورد اندازه اثر به کار می‌رود. برای تحلیل استنباطی داده‌ها نیز، ابتدا مفروضات فراتحلیل بررسی می‌شود. در اینجا پس از بررسی سوگیری نشر با استفاده از آماره آزمون Q ، فرض همگنی تحقیقات بررسی شد. با مشخص شدن ناهمگنی مطالعات، از مدل آثار تصادفی برای رسیدن به اندازه اثر کلی استفاده شد. درنهایت از مدل رگرسیون برای کشف متغیرهای تعدیل‌گر اثرگذار در رابطه بین دو متغیر اصلی استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

مرور سیستماتیک منابع

آماري استفاده کرده بودند، یا آماره‌های مورد نیاز را گزارش نکرده بودند و یا آماره‌های استفاده شده آنها با معیارهای ورود به فراتحلیل انطباق نداشت؛ در نتیجه تنها ۱۳ مقاله باقی ماند که تمامی معیارهای ورود به فراتحلیل را داشتند.

پس از جست‌وجوی اولیه کلیدواژه‌ها در پایگاه‌های داده، تعداد ۸۵ مقاله مرتبط مرور شدند. از این تعداد، ۲۷ مقاله تنها نظری بودند. از میان ۵۸ مقاله باقی‌مانده، تعداد ۹ مقاله از روش‌های غیرآماري استفاده کرده بودند. ۳۶ مقاله نیز گرچه از آزمون‌های

توزیع زمانی و مکانی تحقیقات

جدول ۱- توزیع زمانی و مکانی تحقیقات

Table 1- Time and place distribution of analyzed studies

فراوانی	قلمروی مکانی	فراوانی	دوره زمانی
۴	غرب و جنوب غرب ایران	۴	۱۳۹۶-۱۴۰۰
۵	شرق و شمال شرق ایران	۶	۱۳۹۱-۱۳۹۵
۴	مرکز ایران	۳	۱۳۸۰-۱۳۹۰
۱۳	کل	۱۳	کل

بالقوه، به اعتبار نتایج فراتحلیل می‌افزاید؛ زیرا علاوه بر امکان مقایسه بر مبنای جغرافیا، احتمال سوگیری نتایجی کاهش می‌یابد که ناشی از ملاحظات مناطق جغرافیایی ویژه‌اند.

ویژگی‌های روشی تحقیقات

از بین تحقیقاتی که وارد فراتحلیل شدند، ۱۱ تحقیق به شیوه پیمایشی انجام شده و ۲ تحقیق نیز از تحلیل ثانوی سود جسته بودند. از ۱۱ تحقیق پیمایشی، ۵ تحقیق از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده کردند، ۴ تحقیق از شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده بهره بردند و ۲ تحقیق نیز از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای نمونه‌گیری استفاده کردند. متناسب با آنچه در بخش مبانی نظری به آن اشاره شد، تحقیقات وارد شده به فراتحلیل، دارای جامعه آماری در سطح دهستان یا در نهایت شهرستان‌های یک استان بودند. مشخصات کلی تحقیقات وارد شده به فراتحلیل، در جدول ۲ گزارش شده است.

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی تحقیقات مربوط به بازه ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است. در بازه ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نیز ۴ تحقیق در فراتحلیل قرار دارند. این در حالی است که تنها ۳ تحقیق مربوط به بازه سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ وجود دارد. تراکم بیشتر تحقیقات مربوط به یک دهه اخیر، نشان‌دهنده اهمیت رو به افزایش توجه به نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی است. این مسئله با ملاحظه سال انتشار تحقیقات بازه ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ آشکارتر می‌شود. از دیگر سو، به نظر می‌رسد تحقیقات قبل از ۱۳۹۰، عموماً همبستگی مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را گزارش دادند، در حالی که این روند در تحقیقات بعدی، حفظ نشده است. در ادامه این مسئله و نقش سال انتشار در منبع ناهنگی، بررسی می‌شود.

از حیث قلمروی مکانی، ۴ تحقیق در غرب و جنوب غرب انجام شده است. ۵ تحقیق به شرق و شمال شرق تعلق دارد و ۴ تحقیق نیز داده‌های مربوط به مناطق مرکزی کشور را جمع‌آوری کرد. پراکندگی جغرافیایی تحقیقات به صورت

جدول ۲- مشخصات کلی تحقیقات وارد شده به فراتحلیل

Table 2- General characteristics of included studies in the meta-analysis

شماره	محقق	سال	حجم نمونه	جامعه آماری	ضرب همبستگی	شیوه نمونه‌گیری	روش پژوهش	ابزار جمع‌آوری داده	محل انجام
۱	فراهانی و همکاران	۱۳۹۱	۱۳۵	خانوارهای محدوده دهستان مشهد	۰/۴۶۵	طبقه‌بندی شده	پیمایش	پرسش‌نامه	اراک
۲	حیدری ساریان	۱۳۹۶	۳۷۲	روستائیان شهرستان آستارا	۰/۲۴۷	تصادفی ساده	پیمایش	پرسش‌نامه	آستارا
۳	احقر و ذاکر حقیقی	۱۳۹۵	۳۱۵	مغازه‌های واقع در قطاع ۶ گانه رینگ مرکزی شهر همدان روستائیان مناطق	۰/۴۵	تصادفی ساده	پیمایش	پرسش‌نامه	همدان
۴	حیدری ساریان	۱۳۹۳	۱۹۷	روستائیان شهرستان مشگین‌شهر	۰/۳۹۴	تصادفی ساده	پیمایش	پرسش‌نامه	مشگین‌شهر
۵	آشینه و همکاران	۱۴۰۰	-	شهرستان‌های استان هرمزگان	-۰/۲۳۸	-	تحلیل ثانوی	داده‌های موجود در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	هرمزگان
۶	نقصدی و همکاران	۱۳۸۹	۹۸۳	خانوارهای شهر همدان	۰/۳۲	خوشه‌های چندمرحله‌ای	پیمایش	پرسش‌نامه	همدان
۷	خاوری و خاوری	۱۳۸۹	۳۰۰	خانوارهای ساکن در محله طلاب مشهد	۰/۴۰۸	خوشه‌های چندمرحله‌ای	پیمایش	پرسش‌نامه	مشهد
۸	طولابی‌نژاد و همکاران	۱۳۹۵	۱۰۳	روستاهای دهستان میانکوه شرقی استان لرستان	۰/۶۵۹	تصادفی ساده	پیمایش	پرسش‌نامه	شهرستان پلدختر استان لرستان
۹	خوش‌فر و میرزاخانی	۱۳۹۵	-	شهرستان‌های استان گلستان	-۰/۴۳۸	-	تحلیل ثانوی	داده‌های نهادهای دولتی	استان گلستان
۱۰	چیت‌ساز و همکاران	۱۳۹۸	۵۰۰	افراد ۲۰ تا ۶۴ ساله شهرستان تربت جام	۰/۱۴۱	طبقه‌بندی شده	پیمایش	پرسش‌نامه	تربت جام خراسان رضوی
۱۱	رمضانی و همکاران	۱۳۹۹	۳۵۰	خانوارهای روستائیان شهرستان بانه	۰/۶۹۶	طبقه‌بندی شده	پیمایش	پرسش‌نامه	شهرستان بانه
۱۲	حیدرآبادی و صالح‌آبادی	۱۳۹۱	۳۲۰	افراد بالای ۳۰ سال شهر ساری	-۰/۰۶۱	طبقه‌بندی شده	پیمایش	پرسش‌نامه	ساری
۱۳	میری و همکاران	۱۳۸۹	۱۸۰	روستاهای بخش پشت آب زابل	۰/۵۹	تصادفی ساده	پیمایش	پرسش‌نامه	زابل

سوگیری نشر

آزمون بگ و مزومدار (1994) را نشان می‌دهد.

جدول ۳- خروجی آزمون بگ و مزومدار

Table 3- Output of Begg and Mazumdar test

شاخص آماری	بگ و مزومدار
مقدار ضریب کندال	۰/۳۵۸
Z-Value	۱/۷۰۸
سطح معناداری	۰/۰۶۵۱
	۱ دنباله
	۲ دنباله
	۰/۱۱۲

در آزمون رگرسیون خطی اگر نیز، فرض صفر مبتنی بر تقارن مطالعات و فقدان سوگیری نشر است. با توجه به سطوح معناداری به دست آمده، فرض صفر رد نمی‌شود و فقدان سوگیری نشر پذیرفته می‌شود. نتایج در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴- خروجی رگرسیون خطی اگر

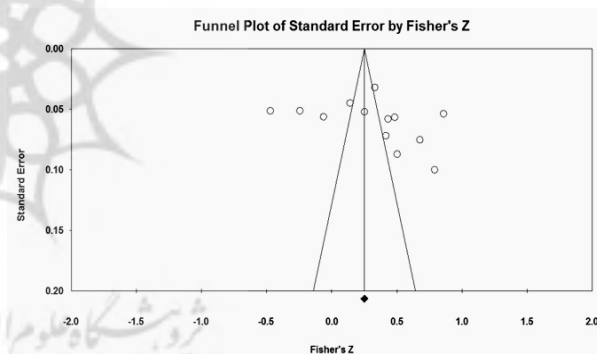
Table 4- Output of Egger linear regression

شاخص آماری	رگرسیون اگر
برش B	۵/۸۶۷
خطای استاندارد	۶/۹۱۵
T-value	۰/۸۴۸
سطح معناداری	۰/۲۰۷
	۱ دنباله
	۲ دنباله
	۰/۴۱۴

بررسی همگنی مطالعات

فرض همگنی مطالعات، فرضی است که مبتنی بر آن، مطالعات مختلف به یک جامعه آماری واحد منتسب می‌شوند. در واقع همگنی فرض می‌کند تفاوت‌های اندازه اثر مشاهده شده در مطالعات ناشی از خطای نمونه‌گیری است و بنابراین مطالعات در یک مدل ثابت^۴ با یکدیگر ادغام یا مقایسه می‌شود. در صورتی که فرض همگنی رد شود، ناهمگنی بر تفاوت جمعیت مطالعه شده در تحقیقات تأکید می‌کند. در صورت ناهمگن بودن تحقیقات، باید از مدل آثار تصادفی^۵ به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. آزمون Q، همگنی مطالعات را بررسی می‌کند. با توجه به ماهیت تحقیقات وارد شده به فرا تحلیل، انتظار می‌رود آزمون، ناهمگنی مطالعات

یکی از قسمت‌های مهم در فرا تحلیل، ارزیابی سوگیری انتشار است که ناشی از انتشار تحقیقات چاپ شده یا انتشار نشدن تحقیقات چاپ نشده است. به بیان دیگر یکی از مشکلاتی که به اعتبار فرا تحلیل لطمه وارد می‌کند، دسترسی نداشتن محقق به تمامی مطالعاتی است که در فاصله زمانی تعیین شده انجام شده‌اند. این مسئله موجب سوگیری در نتایج می‌شود که از آن با عنوان سوگیری نشر یاد می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). تکنیک‌هایی آماری برای بررسی سوگیری نشر ابداع شده‌اند که از آن جمله به نمودار کیفی^۱، آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار^۲ (1994) و همچنین آزمون رگرسیون خطی اگر^۳ اشاره می‌شود. در نمودار کیفی، نسبت Z فیشر به خطای معیار برای هر مطالعه بررسی می‌شود. تقارن نسبی توزیع حول خط میانی، نبود سوگیری نشر را نشان می‌دهد. شکل ۱، نمودار کیفی مطالعات حاضر در فرا تحلیل است.



شکل ۱- نمودار کیفی

Fig 1- Funnel diagram

با توجه به اینکه نمودار کیفی، قضاوتی کیفی و نادقیق از سوگیری نشر ارائه می‌دهد، بهتر است به نتایج آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار (1994) و همچنین آزمون رگرسیون خطی اگر مراجعه شود. فرض صفر در آزمون بگ و مزومدار (1994)، مبتنی بر تقارن بودن نمودار و نبودن سوگیری نشر است. با توجه به سطوح معناداری به دست آمده، فرضیه صفر رد نمی‌شود، در نتیجه نبود سوگیری نشر تأیید می‌شود. جدول زیر، نتایج

¹ Funnel plot

² Begg and Mazumdar

³ Egger's regression intercept

⁴ Fixed model

⁵ Random model

را تأیید کند. جدول ۵، خروجی آزمون Q را نشان می‌دهد.

جدول ۵- خروجی آزمون Q

Table 5- Output of Q test

شاخص آماری	مقدار آزمون Q	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نتایج	۵۶۴/۴۴۴	۱۲	۰/۰۰۰

در آزمون Q فرض صفر، فرض همگنی است و فرض مقابل بر ناهمگنی مطالعات دلالت می‌کند. با توجه به سطح معناداری گزارش شده، فرض صفر رد و ناهمگنی مطالعات

پذیرفته می‌شود؛ بنابراین در ترکیب و تحلیل اندازه اثرها باید از مدل تصادفی استفاده کرد.

ضریب اندازه اثر

پس از بررسی سوگیری نشر و همگنی مطالعات، معلوم می‌شود که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج برای گزارش اندازه اثر کلی استفاده کرد. جدول ۶، اندازه اثر را برای هر مطالعه و به صورت کلی نشان می‌دهد.

جدول ۶- خروجی اندازه اثر مطالعات

Table 6- Output of the effect size of the studies

ردیف	محقق / سال	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
۱	فراهانی و همکاران (۱۳۹۱)	۰/۴۶۵	۰/۳۲۱	۰/۵۸۸	۵/۷۸۷	۰/۰۰۰
۲	حیدری ساریان (۱۳۹۳)	۰/۳۹۴	۰/۲۶۹	۰/۵۰۶	۵/۸۰۲	۰/۰۰۰
۳	احقر و ذاکر حقیقی (۱۳۹۵)	۰/۴۵۰	۰/۳۵۷	۰/۵۳۴	۸/۵۶۲	۰/۰۰۰
۴	حیدری ساریان (۱۳۹۶)	۰/۲۴۷	۰/۱۴۹	۰/۳۴۰	۴/۸۴۵	۰/۰۰۰
۵	آشینه و همکاران (۱۴۰۰)	-۰/۲۳۸	-۰/۳۳۰	-۰/۱۴۱	-۴/۷۳۶	۰/۰۰۰
۶	نقدی و همکاران (۱۳۸۹)	۰/۳۲۰	۰/۲۶۳	۰/۳۷۵	۱۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
۷	خاوری و خاوری (۱۳۸۹)	۰/۴۰۸	۰/۳۰۹	۰/۴۹۸	۷/۴۶۶	۰/۰۰۰
۸	طولابی نژاد و همکاران (۱۳۹۵)	۰/۶۵۹	۰/۵۳۴	۰/۷۵۶	۷/۹۱۰	۰/۰۰۰
۹	خوش فر و میرزا خانی (۱۳۹۵)	-۰/۴۳۸	-۰/۵۱۵	-۰/۳۵۳	-۹/۱۶۹	۰/۰۰۰
۱۰	چیت‌ساز و همکاران (۱۳۹۸)	۰/۱۴۱	۰/۰۵۴	۰/۲۲۶	۳/۱۶۴	۰/۰۰۲
۱۱	رمضانی و همکاران (۱۳۹۹)	۰/۶۹۶	۰/۶۳۸	۰/۷۴۶	۱۶/۰۱۱	۰/۰۰۰
۱۲	حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۱)	-۰/۰۶۱	-۰/۱۷۰	۰/۰۴۹	-۱/۰۸۷	۰/۲۷۷
۱۳	میری و همکاران (۱۳۸۹)	۰/۵۹۰	۰/۴۸۶	۰/۶۷۸	۹/۰۱۶	۰/۰۰۰
	آثار ترکیبی تصادفی	۰/۳۰۴	۰/۱۰۹	۰/۴۷۶	۳/۰۰۳	۰/۰۰۳

است که ۳ تحقیق رابطه معکوس را بین این دو متغیر گزارش کرده‌اند. در بین تحقیقاتی که رابطه مثبت را گزارش کرده‌اند، پژوهش رمضانی و همکاران (۱۳۹۹) بزرگ‌ترین اندازه اثر را دارد (۰/۶۹۶). همچنین در بین تحقیقاتی که رابطه منفی را گزارش کرده‌اند، تحقیق خوش‌فر و میرزاخانی (۱۳۹۵)

با توجه به نتایج جدول ۷ مشخص می‌شود که به جز تحقیق حیدرآبادی و صالح‌آبادی (۱۳۹۱)، مقادیر اندازه اثر در مابقی تحقیقات، در سطح ۰/۰۵ معنادار شده است. مقادیر اندازه اثر حاکی از آن است که ۱۰ تحقیق رابطه مستقیم را بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی نشان دادند. این در حالی

در بررسی های نخستین و اجمالی تحقیقات، مشخص می شود مطالعاتی که در دهه هشتاد انجام شدند، همگی ارتباط مثبت بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را گزارش دادند. در حالی که مطالعات دهه ۹۰ هم ارتباط مثبت و منفی را گزارش دادند. به همین جهت، متغیر سال انتشار، اولین متغیر تعدیلگر وارد شد. نتایج در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۷- اثر متغیر تعدیلگر سال انتشار

Table 7- Effect of the moderating variable of publication year

متغیر تعدیلگر	ابعاد بررسی شده	اندازه اثر ترکیبی	سطح معنی داری
	۱۳۸۰-۱۳۹۰	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
سال انتشار	۱۳۹۱-۱۴۰۰	۰/۲۵۹	۰/۰۴۲
	کل	۰/۳۸۴	۰/۰۰۰

همان گونه که نتایج جدول ۷ نشان می دهد، مطالعات منتشر شده در دهه ۸۰، اندازه اثر ترکیبی ۰/۴۳۹ را دارند، در حالی که مطالعات منتشر شده در دهه ۹۰، اندازه اثری معادل ۰/۲۵۹ دارند. مطالعات دهه ۹۰ به طور محسوسی، اندازه اثر پایین تری را گزارش می کنند. همان گونه که قبلاً اشاره شد، علت این اختلاف در نگاه اول، وجود مطالعاتی در یک دهه اخیر است که رابطه معکوس بین دو متغیر مدنظر را گزارش می کند. حضور چنین مطالعاتی در یک دهه اخیر، بیش از هر چیز نشان دهنده شروع یک دوره جدید در نظریات مرتبط با مفهوم سرمایه اجتماعی است. دوره ای که در آن اشکال سنتی اعتماد و انسجام نیز به مثابه نوعی از سرمایه اجتماعی شناخته می شود. این اشکال سنتی تر سرمایه اجتماعی عموماً با جریان توسعه و نوگرایی مخالفت می کند و مانعی بر سر توسعه است. برای بررسی دقیق تر این فرضیه و آزمون آن از زوایای دیگر، بهتر است به دیگر متغیرهای تعدیلگر نیز رجوع شود که انعکاس بهتری از تبیین فوق اند.

با بررسی مشخصات ظاهری تحقیقات، مشخص می شود

بیشترین اندازه را دارد (۰/۴۳۸-). کوچک ترین اندازه اثر گزارش شده نیز به تحقیق حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۱) اختصاص دارد (۰/۰۶۱-).

با توجه به مدل آثار ترکیبی تصادفی، میزان اندازه اثر کلی برای تحقیقات وارد شده به فرا تحلیل، مقدار ۰/۳۰۴ به دست می آید. این میزان در سطح ۰/۰۵ معنادار است. با استفاده از معیار تفسیری کوهن^۱ (1988)، در مجموع سرمایه اجتماعی تأثیر متوسط و مثبتی بر توسعه اقتصادی می گذارد.

مطالعه رضانی و همکاران (۱۳۹۹) بیشترین دقت را در میان مطالعات دارد؛ زیرا بین کران بالا و کران پایین آن کمترین فاصله وجود دارد. از طرفی دیگر مطالعه فراهانی و همکاران (۱۳۹۱) کمترین دقت را دارد؛ زیرا بیشترین فاصله بین کران بالا و کران پایین آن وجود دارد. با توجه به تصدیق ناهمگونی مطالعات و نتایج متناقض تحقیقات وارد شده به فرا تحلیل، در ادامه تلاش می شود تا حد امکان منبع این ناهمگنی، شناسایی شود. برای این منظور، اثر متغیرهای تعدیلگر احتمالی بررسی می شود.

متغیر تعدیلگر

هدف از یافتن متغیر تعدیلگر، تلاش برای کشف منبع ناهمگنی در نتایج تحقیقات وارد شده به فرا تحلیل است. به منظور کشف متغیرهای تعدیلگر احتمالی، نخست تمامی تحقیقات به دقت مرور و به ویژه تحقیقاتی با نتایج کاملاً مخالف به دقت با یکدیگر مقایسه شد. در فرآیند مقایسه تحقیقات و تلاش برای کشف منابع ناهمگنی محتمل، مبانی نظری و چارچوب مفهومی، بحث راهنمای محقق بود؛ سپس متغیرهای محتمل مدنظر، مبنایی بر تقسیم تحقیقات و آزمون مجدد قرار گرفت. در نهایت آن دسته از متغیرهایی که در عمل می توانستند پراکنش نتایج را توضیح دهند، به عنوان متغیرهای تعدیلگر به بخشی از تبیین فرا تحلیل وارد شدند. در زیر گزارش مربوط به این متغیرها آمده است.

¹ Cohen

شبکه‌ها به این تلقی از سرمایه اجتماعی غنا می‌بخشد. در مقابل تحقیقاتی که از تحلیل ثانوی استفاده کردند، به واسطه نوع و محدودیت آمارهایی که در اختیار داشتند، بیشتر بر بعد اعتماد و انسجام گروهی تأکید کردند. شاخص اعتماد در بین گروه‌هایی پررنگ‌تر بود که سبک‌های سنتی‌تر سازمان‌دهی را داشتند و از قضا همین گروه‌ها در برابر توسعه و تغییرات ناشی از آن، واکنش منفی بیشتری نشان می‌دادند.

در راستای تبیین به دست آمده از نتایج، دو متغیر تعدیلگر پیشین و جهت آزمون دقیق‌تر آن، سومین متغیر تعدیل‌گری که برای بررسی منبع ناهمگنی تحقیقات بررسی شد، متغیر «عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی» بود. بر این مبنا تحقیقات از حیث کیفیت عملیاتی کردن متغیر سرمایه اجتماعی بررسی شدند. تحقیقاتی که در تعریف نظری و عملیاتی سرمایه اجتماعی به ابعاد اعتماد گروهی، اعتماد نهادی، مشارکت گروهی و مشارکت نهادی با عطف نظر به نهادهای دولتی و مردمی توجه کرده بودند، از تحقیقاتی متمایز شدند که در عملیاتی‌سازی مفهوم سرمایه اجتماعی، تمرکز خود را بر اشکال اعتماد، انسجام و همکاری درون گروه گذاشته بودند. نتایج این تمایز و اعمال آن به عنوان متغیر تعدیلگر، در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹- اثر متغیر تعدیلگر عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی

Table 9- Effect of the moderating variable of operationalizing social capital

متغیر تعدیلگر	ابعاد بررسی شده	اندازه اثر ترکیبی	سطح معنی داری
تمامی ابعاد اعتماد و مشارکت	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰	
عملیاتی‌کردن سرمایه اجتماعی	صرفا اعتماد و مشارکت گروهی	-۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
	کل	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰

همان‌گونه که نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد، تحقیقات دو دسته مختلف، اندازه اثر کاملاً متفاوتی را گزارش می‌کنند،

که یک شاخص در تغییر نتایج تأثیر مهمی داشته است. از ۱۳ تحقیق حاضر در فراتحلیل، ۳ تحقیق رابطه منفی بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را گزارش داده‌اند که از بین این ۳ تحقیق، دو تحقیق به روش تحلیل ثانویه انجام شدند. ۱۰ تحقیقی که رابطه مثبت را گزارش می‌کردند، همگی پیمایشی بودند. برای بررسی بیشتر، متغیر روش پژوهش، به عنوان متغیر تعدیلگر انتخاب شد و تحقیقات در دو گروه پیمایشی و تحلیل ثانوی با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج در جدول ۸ گزارش شده است.

جدول ۸- اثر متغیر تعدیلگر روش پژوهش

Table 8- Effect of the moderating variable of the research method

متغیر تعدیلگر	ابعاد بررسی شده	اندازه اثر ترکیبی	سطح معنی داری
	پیمایشی	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰
روش پژوهش	تحلیل ثانوی	-۰/۳۴۲	۰/۰۰۲
	کل	۰/۱۷۶	۰/۰۰۶

همان‌گونه که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، اندازل اثر ترکیبی برای تحقیقات پیمایشی، برابر ۰/۴۰۹ شده است. تحقیقاتی که به روش تحلیل ثانوی انجام شدند، اندازه اثر ترکیبی معادل ۰/۳۴۲- داشتند. با تأمل در تحقیقات دسته اول و دوم و بررسی نحوه عملیاتی‌سازی متغیرها، در هر دسته مشخص می‌شود که یک تفاوت اساسی بین این دو دسته از تحقیقات وجود دارد. در حالی که تحقیقات پیمایشی عموماً از سنج‌ها و پرسش‌نامه‌های استاندارد برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند، تحقیقات مبتنی بر تحلیل ثانوی عموماً از آمارهای رسمی و دولتی برای سنجش سرمایه اجتماعی سود می‌برند. پرسش‌نامه‌های جاف‌افتاده در سنجش سرمایه اجتماعی به ابعاد اعتماد و انسجام، مشارکت در نهادها و شبکه‌های اجتماعی توجه می‌کنند. در نظر گرفتن تمامی این ابعاد به هنگام عملیاتی‌سازی مفهوم، سبب می‌شود بیشتر برداشتی از سرمایه اجتماعی ارزیابی شود که نقش سازنده‌ای در امر توسعه دارد، به خصوص بعد مشارکت در سازمان‌ها و

نظریه پردازان این حوزه به چشم می خورد. همین اشتراک حداقلی، ولی اعتناشدنی، راهگشای مسیری بود که به تحقیقات متعدد در زمینه نسبت توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی انجامید. روند توجه به عرصه موضوعی بحث شده به ایران نیز کشیده شد، به نحوی که در دو دهه گذشته، تحقیقات متعددی در زمینه رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی انجام شد. با وجود این توجه گسترده، نتایج مطالعات حاکی از نوعی تناقض و ناسازگاری بود. در حالی که بنا بر یک تصور غالب، سرمایه اجتماعی موتور محرک توسعه اقتصادی به شمار می رفت، و تحقیقات مختلفی نیز بر این ادعا صحه می گذاشتند، در مقابل مطالعات دیگری، اثر منفی سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی را گزارش می کردند. دسته دیگری از مطالعات نیز به کلی در معناداری رابطه بین این دو متغیر تردید روا می داشتند. در نتیجه چنین آشفتگی، محققان و نظریه پردازان به دنبال کشف پیچیدگی های این دو مفهوم برآمدند.

ابزار فراتحلیل، یکی از روش های تجمیع و یکپارچه سازی نتایج در حوزه های موضوعی همسان است. فراتحلیل به کمک روش های آماری تلاش می کند در حوزه های موضوعی مناقشه برانگیز ورود کند و زمینه را برای به دست دادن نتایج دقیق تر و فراگیرتر مهیا کند. فراتحلیل علاوه بر یکپارچه سازی تحقیقات، بستری را برای تأمل درباره تفاوت های موجود در بین تحقیقات فراهم می آورد. این تفاوت ها باید به صورت بالقوه، منبع ناهمگنی در نتایج باشند. در پژوهش حاضر با استفاده از فراتحلیل به سراغ تحقیقاتی رفتیم که در دو دهه اخیر و در ایران، نسبت سرمایه اجتماعی را با توسعه اقتصادی بررسی کردند. در این مسیر مقالات زیادی مرور شدند که بخش اعظم آنها به دلیل ناسازگار بودن با معیارهای ورود به فراتحلیل کنار گذاشته شدند. در این میان در نهایت ۱۳ پژوهش برای ورود به فراتحلیل انتخاب شدند. پس از مطالعه و استخراج مواد مورد نیاز، از هر مطالعه ابتدا سوگیری نشر بررسی شد. برای این منظور، از نمودار کیفی و آزمون های بگ

به نحوی که جهت همبستگی در دو گروه کاملاً متفاوت به دست آمده است؛ از این رو متغیر تعدیلگر نحوه عملیاتی سازی سرمایه اجتماعی، یک منبع ایجاد ناهمگنی در مطالعات معرفی می شود. نتیجه اخیر تا حدودی تبیین های مربوط به بخش های قبل درباره متغیرهای تعدیلگر سال انتشار و روش پژوهش را تأیید می کند.

بحث و نتیجه

توسعه اقتصادی از اهداف اصلی بیشتر جوامع و گروه های انسانی در دهه های اخیر است. پژوهش های گسترده ای که درباره این مفهوم تولید شده است، خود گواه اهمیت روزافزون آن است. از دهه ۱۹۵۰ و با تولد مفهوم توسعه در معنای امروزی آن، این مفهوم از حیث تعاریف و ابعاد، روند تکاملی را طی کرده است. در ابتدا توسعه اقتصادی مساوی با رشد تولید ناخالص در نظر گرفته می شد؛ بعدها شاخص های مربوط به توزیع ثروت و پایداری درآمد نیز به دامنه تعریف توسعه اقتصادی افزوده شدند. با گسترش ابعاد مفهومی توسعه اقتصادی، بینش های جدیدی درباره عوامل اثرگذار در توسعه اقتصادی نیز مطرح شد. در حالی که در نظریات اولیه، تأکید بر سرمایه های فیزیکی و مالی بود. نظریات بعدی مرکز ثقل توجه را بر سرمایه های انسانی گذاشتند. در ادامه همین روند و در جدیدترین خیز تحولی این حوزه، توجه زیادی به مفهوم سرمایه اجتماعی و نقش آن در پیشرفت توسعه اقتصادی شده است. در پیشانی چنین توجهی، پوتنام (1993) قرار داشت. او در تحقیقات گسترده خود درباره تفاوت های مناطق صنعتی در شمال و جنوب ایتالیا، به اهمیت متغیر سرمایه اجتماعی پی برد. از دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و با سردمداری نظریه پردازانی همچون پوتنام (1993)، کلمن (1988) و بوردیو (1986) مفهوم سرمایه اجتماعی به یکی از مهم ترین حوزه های بحث در علوم اجتماعی تبدیل می شود. اگرچه هنوز توافق گسترده و شفافیتی درباره معنای سرمایه اجتماعی و ابعاد و شاخص های آن وجود ندارد، با این حال وجوه اشتراک جدی در بین تعاریف

و مزومدار و رگرسیون خطی اگر استفاده شد. نتایج آزمون‌ها رأی بر فقدان سوگیری نشر داد. در ادامه فرض همگنی بررسی شد و نتیجه بر ناهمگن بودن مطالعات دلالت داشت. در نتیجه برای محاسبه اندازه اثر کلی، از مدل تصادفی استفاده شد. اندازه اثر کلی برابر $0/304$ بود که مطابق با نظام تفسیری کوهن (1988)، حاکی از رابطه متوسط بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی است.

در گام بعدی فراتحلیل، با بررسی و مقایسه تحقیقات، متغیرهای تعدیلگری بررسی شدند که احتمال می‌رفت منبع ناهمگنی در نتایج باشند. سه متغیر تعدیلگر سال انتشار، روش پژوهش و شیوه عملیاتی شدن سرمایه اجتماعی وارد مدل شدند. متغیر سال انتشار، تحقیقات دهه ۸۰ را از تحقیقات دهه ۹۰ متمایز می‌کرد. اندازه اثر در دسته تحقیقات دهه ۸۰ بزرگ‌تر بود، به گونه‌ای که اندازه اثر هر دو دسته مقداری مثبت بود. متغیر روش پژوهش نیز تحقیقات را در دو دسته پیمایش و تحلیل ثانوی قرار داد. اندازه اثر در هر دو دسته مذکور کاملاً متفاوت و خلاف جهت بود. مشخص شد این متغیر می‌تواند یکی از منابع ناهمگنی در نتایج باشد. با این حال به نظر می‌رسد این دو متغیر به نحوی مستقل از هم، منبع ناهمگنی نیستند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد عاملی مشترک در پس هر دو متغیر تعدیلگر قرار دارد که علت اصلی ناهمگنی در نتایج به شمار می‌رود. با دقت بیشتر در تحقیقات وارد شده به فراتحلیل، مشخص می‌شود آن دسته از تحقیقاتی که در مقام سنجش سرمایه اجتماعی بیشتر، بر بعد اعتماد اجتماعی و همکاری در میان گروه‌های محلی تأکید داشتند، نسبت معکوسی را میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی گزارش کردند و تحقیقاتی که در مقام عملیاتی‌سازی متغیر سرمایه اجتماعی علاوه بر اعتماد گروهی به اعتماد نهادی و امکان مشارکت در نهادها و سازمان‌های اجتماعی تأکید می‌ورزیدند، نهادهایی رسمی که امکان کنشگری افراد را خارج از چارچوب‌های سنتی فراهم می‌آورد، همبستگی مثبت بین دو متغیر فوق را گزارش می‌کردند. در حقیقت با بررسی

متغیرهای تعدیلگر و تأمل در نتایج به دست آمده، این فرضیه جدید مطرح می‌شود که منشأ تفاوت در نتایج تحقیقات تأکید آنها بر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی است. در حالی که یک تعریف ویژه از سرمایه اجتماعی با تأکید بر اعتماد در درون گروه‌های محلی، بیشتر مانع توسعه محسوب می‌شود، تعریف دیگری از همین مفهوم که عطف توجه را به سمت مشارکت مردم در نهادهای غیرسنتی متوجه می‌کند، مشوق توسعه به حساب می‌آید.

این نتیجه سبب جهت‌گیری‌های نظری دقیق‌تری در کارهای بعدی مربوط به سرمایه اجتماعی است، همچنین این یافته برانگیزاننده تحقیقات و فراتحلیل‌های بعدی است. در صورت صحت این ادعا نسبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پالایش و از آن صورت‌بندی دقیق‌تری ارائه می‌شود.

منابع فارسی

- احقر، س. م. و ذاکر حقیقی، ک. (۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصاد مراکز شهرها (نمونه موردی: رینگ اول شهر همدان). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۶(۲۰)، ۹۴-۱۰۵.
- ازکیا، م. و غفاری، غ. ر. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- اوانز، پ. (۱۳۹۸). *توسعه یا چپاول*، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
- آشینه، م.؛ فتحی، س.؛ شیری، ط. و نیکخواه، ه. (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی استان هرمزگان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۳(۳)، ۱۰۷-۱۲۱.
- چیت‌ساز، م. ع.؛ نکویی، ش. و حجازی، س. ن. (۱۳۹۸). بررسی عدالت اجتماعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر توسعه پایدار شهرستان تربت جام. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۱(۳)، ۲۳-۳۵.
- حیدرآبادی، الف. و صالح‌آبادی، الف. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی

- اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر ساری. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴ (۳)، ۱۱۵-۱۲۹.
- حیدری ساریان، و. (۱۳۹۶). اثرات سرمایه اجتماعی بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان آستارا. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۷ (۳)، ۴۵-۶۹.
- حیدری ساریان، و. (۱۳۹۳). اثرات سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر). *توسعه اجتماعی*، ۱ (۴)، ۱۱۲-۱۲۶.
- خاوری، ز. و خاوری، ر. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصادی؛ مطالعه موردی: محله طلاب. *مدیریت شهری (ویژه‌نامه)*، ۹، ۲۲۷-۲۹۷.
- خوش‌فر، غ. و میرزاخانی، ش. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه‌یافتگی (مورد مطالعه: شهرستان استان گلستان). *مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۲ (۳)، ۱-۲۵.
- رحمانی، ت.؛ عباسی‌نژاد، ح. و امیری، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، ۷ (۲)، ۱-۳۰.
- رضائی، ل.؛ رحمانی، ب. و شفیع‌ی ثابت، ن. (۱۳۹۹). نقش مدیریت محلی در ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان در اقتصاد روستایی، مورد مطالعه: شهرستان بانه. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۹ (۳۲)، ۴۳-۶۴.
- سوری، ع. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. *تحقیقات اقتصادی*، ۶۹، ۸۷-۱۰۸.
- طولابی‌نژاد، م.؛ قنبری، س. و شایان، م. (۱۳۹۵). بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر رفاه خانوارهای روستایی. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۲ (۶۶)، ۱۶۳-۱۸۵.
- فراهانی، ح.؛ عینالی، ج. و عبدلی، س. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳ (۲۹)، ۲۸-۵۰.
- قاسمی، و.؛ آذربایجانی، ک.؛ ادیبی سده، م. و توکلی، خ. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی برون‌گروهي بر توسعه اقتصادی در استان‌های ایران. *راهبرد*، ۲۰ (۵۹)، ص ۲۴۳-۲۷۰.
- موسایی، م. و راعی صدقیانی، س. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ طرح یک نگرش نوین. *راهبرد توسعه*، ۱۷، ص ۵۷-۷۵.
- میری، غ.؛ ر.؛ جوان، ج. و افراخته، ح. (۱۳۸۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (نمونه موردی: منطقه پشت آب سیستان). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱ (۱۴)، ۲۹-۴۹.
- نقدی، الف.؛ محمدپور، الف. و سوری، ع. (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و نقش آن در فعالیت‌های اقتصادی با نگاهی به استان همدان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱ (۴)، ۱۷۷-۱۹۴.
- <https://doi.net/dor/20.1001.1.20085745.1389.21.4.9.4>
- نیازی، م.؛ حسینی زاده، س. و سخایی، ا. (۱۳۹۵). *فرا تحلیل (نظریه تا کاربرد)*، تهران: سخنوران.

References

- Ahghar, M., & Zakerhaghighi, K. (2017). The effect social capital on the economic status of urban centers (Case Study: Central Ring of Hamedan). *Haft Hesar Journal of Environmental Study*, 5 (20), 94-105 [In Persian]
- Ashineh, M., Fathi, S., Shiri, T., & Nikkhah, H. (2021). Sociological explanation of the effect of social capital on economic development of Hormozgan province. *The Journal of Iranian Social Development Studies*, 13(51), 107-121 [In Persian].
- Azkiya, M., & Ghafari, Gh. (2005). *Sociology of the development*. Tehran: Kayhan press [In Persian].
- Begg, C. B., & Mazumdar, M. (1994). Operating characteristics of a rank correlation test for publication bias. *Biometrics*, 50, 1088-1101.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In: Richardson JG ed. *Handbook of theory and research for the sociology of education*. Greenwood Press.
- Chitsaz, M. A., Nekoei, Sh., & Hegazi, N. (2019). Study investigated social justice and influensive social and economical factors on it as an approach for the sustainable development of Torbat Jaam. *The Journal of Iranian Social Development Studies*, 11 (43), 23-35 [In Persian].
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences* (2nd ed.). Lawrence Erlbaum Associates.

- Meta-analysis (Theory to Application)*, Tehran: Sokhanvaran [In Persian].
- Putnam, R. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern italy*. Princeton University Press.
- Rahmani, T., Abasi Nezhad, H., & Amiri, M. (2008). Investigating the impact of social capital on Iran's economic growth. *Sustainable Growth and Development Research*, 2(7), 1-30. [In Persian].
- Ramezani, L., Rahmani, B., & Shafiee Sabet, B. (2020). The role of local management in promoting social capital and participation of villagers in rural economy Case: Baneh city. *The Journal of Space Economy & Rural Development*, 9(32), 43-64 [In Persian].
- Sabatini, F. (2007). *Social capital and the quality of economic development*. Available at: www.socialcapitalgateway.org/https://doi.org/10.1111/j.1467-6435.2008.00413.x
- Souri, A. (2005). Social capital and economic performance. *Economic Research*, 69, 87-108 [In Persian].
- Toulabi nejad, M., & Ghanbari, S., & Shayan, M. (2019). Evaluate the impact of social capital on welfare of rural households (Case Study: District Eastern Miyankoh city Poldokhtar). *The Journal of Geography and Planning*, 22(66), 163-185 [In Persian].
- Woolcock, M., & Narayan, D. (2000). *Social capital: Implications for Development Theory, Research and policy*. The world bank research observer.
- Coleman, J.S. (1988). Social capital in creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Evanz, P. (2019). *Embedded autonomy: States and industrial transformation*, Translated by Abbas Mokhber, Tehran; Tarhe No. [In Persian].
- Heidarabadi, A., & Salehabadi, E. (2012). The typology of social trust and effective factors on it in Saari City. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 4(3), 115-129 [In Persian].
- Heidarisarban, V. (2017). Effects of social capital on the economy of rural areas of Astara. *The Journal of Space Economy & Rural Development*, 7(3), 45-69. [In Persian].
- Heidarisarban, V. (2014). Effects of social capital in rural areas (Case study: Meshginshahr City). *The Journal of Social Development*, 8(4), 1120126. [In Persian].
- Farahani, H., Einali, J., & Abdoli S. (2012). Assessing the role of social capital in the development of rural areas, a case study; Mashhad, Miqan district, Arak city. *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 13 (29), 28-50. [In Persian].
- Fukuyama, F. (1995). *Trust: the social virtues and the creation of prosperity*. Free press.
- Khavari, Z., & Khavari, R. (2010). The effect of indicators of social capital on local economic condition; case study: Community of Tolab. *The Journal of Urban Management*. 9, 277-297 [In Persian].
- Khoshfar, Gh., & Mirzakhani, Sh. (2016). Investigating the relationship between social capital indicators and the level of development (Case study: Golestan province cities in 2015-2016). *The Journal of Participation and Social Development*, 2(3), 1-25. [In Persian].
- Macinko, J., & Starfield, B. (2001). The utility of social capital in research on health determinants. *The Milbank Quarterly*, 79(3), 387-427.
- Miri, G., Javan, J., Afrakhteh, H., Velayati, S., & Shayan, H. (2010). The role of social capital in rural development. *Journal of Geography and Regional Development*, 8(14), 29-49. [In Persian].
- Mosae, M., & Rae, S. (2008). Social capital and economic development; Designing a new attitude. *The Journal of Development Strategy*, 17, 57-75. [In Persian].
- Muringani, J., Fitjar, R. D., & Rodríguez-Pose, A. (2021). Social capital and economic growth in the regions of Europe. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 53(6), 1412-1434.
- Naghdi, A., Mohammadpur, A., & Souri, A. (2011). Social capital and its impact on economic development in hamden province. *Journal of Applied Sociology*, 21(4), 177-194. [In Persian].
- Niazi, M., Hoseinizade, S., & Sakhaee, A. (2016).